

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشره در المیادین انگلیسی
نویسنده: رابرت اینلاکش
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختزی
۰۳ فبروری ۲۰۲۵

چرا اسرائیلی‌ها در شکست دادن حماس ناکام ماندند: دلایل شکست آنها



رابرت اینلاکش تاکتیک‌های جنگی «بزدلانه» اسرائیل علیه غزه را نقد می‌کند و ستراتیژی‌های نسل‌کشی آنها در هدف قرار دادن غیرنظامیان به جای نبرد واقعی با گروه‌های مقاومت را برجسته می‌سازد.

آنچه واقعاً اتفاق افتاد این بود که گروه‌های مقاومت فلسطینی با ابزارهای محدودی که داشتند، علیه ارتش اسرائیل که مرتکب نسل‌کشی می‌شد، جنگیدند.

خلاف آنچه به افکار عمومی غرب ارائه شده، ارتش اسرائیل جنگی را که هدفش حماس باشد انجام نداد، بلکه به نسل‌کشی پرداخت و از تاکتیک‌های بزدلانه‌ای استفاده کرد که هدفش کاهش تلفات سربازانشان بود.

آیا تا به حال فکر کرده‌اید چرا اسرائیلی‌ها هیچ تصویر واقعی از نبرد سربازانشان با مبارزان فلسطینی نداشتند؟ یک توضیح می‌تواند این باشد که هیچ نبرد واقعی در نوار غزه رخ نداده است، اما این با جریان تقریباً روزانه کلیپ‌هایی که توسط حدود دوازده گروه مقاومت تولید شده و حملات علیه ارتش متجاوز را نشان می‌دهد، در تضاد است.

با تحلیل ویدئوهای منتشر شده توسط گروه‌های مسلح فلسطینی مانند گردان‌های قدس، گردان‌های قسام، گردان‌های شهدای الاقصی، گردان‌های ابوعلی مصطفی، گردان‌های مجاهدین، گردان‌های صلاح‌الدین و دیگران، می‌توانیم سه دسته اصلی حملات را تشخیص دهیم: کمین‌ها، عملیات‌های تکتیراندازی و حملات خمپاره‌نی/توپخانه‌نی. طبق اعلامیه‌ها و مستندات ویدئویی منتشر شده توسط گروه‌های مستقر در غزه، رایج‌ترین سبک حملات، عملیات‌های

خیمارمئی/توپخانهئی بود که روزانه اتفاق می افتاد. بیش از ۱۰,۰۰۰ راکت نیز استفاده شد، اما با پیشرفت جنگ، بیشتر راکت های شلیک شده مهمات برد کوتاه بودند. اگرچه این سبک حملات از سلاح های عمدتاً غیردقیق استفاده می کرد، اما در طول ۱۵ ماه مداوم ادامه داشت.

سپس جریان مداوم ویدئوها در طول جنگ را داریم که کمین ها را نشان می داد و می توان آن را به دو زیرمجموعه اصلی تقسیم کرد: کمین های کاروان ها و کمین های مواضع ثابت ارتش اسرائیل.

نوع اول، علیه کاروان ها، شامل استفاده از آرپی جی یاسین-۱۰۵ (که اکنون مشهور شده) علیه تانک ها، بولدوزرها، جیب ها و خودروهای زرهی نفربر بود. سیستم های هدایت شونده ضد تانک و پهپادها نیز گاهی اوقات علیه خودروهای نظامی استفاده می شدند، اما به نظر می رسد در دسترس کمتری قرار داشتند.

سخنگوی گردان های قسام، ابو عبیده، در سخنرانی آتش بس خود اعلام کرد که بیش از ۲,۰۰۰ تانک اسرائیلی توسط مبارزان این گروه آسیب دیده یا نابود شده اند. علی رغم این که اسرائیلی ها تعداد تانک ها، بولدوزرها، جیب ها و خودروهای زرهی نفربر آسیب دیده/نابود شده را اعلام نکرده اند، گزارش های منتشر شده در رسانه های اسرائیلی نشان می داد که تانک ها کم بودند. در واقع، چندین درخواست توسط مقامات ارشد نظامی اسرائیل برای استقرار تانک ها در کرانه باختری پس از ارزیابی هایشان که نشان می داد گروه های مقاومت در آنجا مواد منفجره سنگین به دست آورده اند، به دلیل نیاز به استفاده از آن تانک ها در غزه یا لبنان رد شد.

تاکتیک دیگری که در اواخر جنگ در خنثی کردن تانک های اسرائیلی مؤثرتر ثابت شد، بمب های دست ساز (IED) بود که به طور ستراتیژیک در جاده های که کاروان های نظامی از آن عبور می کردند، کار گذاشته می شد. گروه هایی مانند گردان های قدس جهاد اسلامی فلسطین و گردان های قسام حماس حتی بسیاری از مهمات منفجر نشده، از جمله بمب های بدنام ۲,۰۰۰ پوندی را برای استفاده علیه کاروان های نظامی اسرائیل بازسازی کردند.

سپس حملاتی را داشتیم که علیه نیروهای اسرائیلی که یا در حال ورود به مناطق برای ایجاد مواضع بودند یا از قبل از فضائی به عنوان پایگاه نظامی موقت یا گره فرماندهی استفاده می کردند، انجام می شد. این کمین ها از بمب های دست سازی که از قبل در منطقه کار گذاشته شده بودند استفاده می کردند، اما انواع دیگر سلاح ها را نیز شامل می شدند. به عنوان مثال، حملات تکثیراندازی در طول جنگ استفاده می شد و بسیاری از این حملات فلمبرداری شده است، برخی نشان می دهند که گلوله های ضد زره در یک شلیک به سر دو سرباز اصابت می کند.

انواع کلاهک های آرپی جی که استفاده می شد نیز متفاوت بود، زمانی که به اندازه کافی در دسترس بود، برای این نوع حملات که اغلب تجمعات سربازان یا کسانی که در داخل ساختمان ها پناه گرفته بودند را هدف قرار می داد. یک گلوله ترموباریک آرپی جی به طور مکرر در ویدئوهای منتشر شده از چنین عملیات های کمینی نشان داده می شد. چیز دیگری که دیدیم استفاده از سلاح های خودکار و نیمه خودکار در چنین درگیری های بود. همچنین حملات چاقو و استفاده گاه به گاه از بمبگذاران فدائی نیز وجود داشت.

ارتش اسرائیل اعتراف کرده که در طول جنگ به طور متوسط ماهانه ۱,۰۰۰ سرباز مجروح داشته است، اما حتی این هم با اعلام های قبلی درباره تعداد کل مجروحان نیروهایشان در تضاد است. این اعداد در طول درگیری تغییر کرده اند و به نظر نمی رسد قابل اعتماد باشند، به ویژه به دلیل سانسور نظامی تل ابیب در مورد چنین مسائلی. صرف نظر از این، با توجه به تعداد کل تلفات سربازان اسرائیلی که حدود ۸۰۰ نفر است، نسبت مجروحان به کشته شدگان با فاصله زیادی از هم جدا شده است.

تا این لحظه، گروه‌های مسلح فلسطینی هیچ تخمین مشخصی از تلفات وارده به سربازان اسرائیلی ارائه نداده‌اند. بنابراین، برآورد تعداد دقیق دشوار است، اما اگر بخواهیم با آمار حدود ۱۰۰۰ مجروح در هر ماه در غزه کار کنیم، این معادل ۳۳ سرباز اسرائیلی زخمی در هر روز خواهد بود. با توجه به این که اغلب ارتش اشغالگر تنها در چند منطقه همزمان عملیات تهاجمی کامل انجام می‌داد، این امر نشان‌دهنده مقاومت مداوم است.

با این حال، به جز چند مورد استثنا که نیروهای مقاومت فلسطین تصمیم گرفتند مناطق خاصی را حفظ کنند یا ورود اسرائیل به محله‌های مشخص را به تأخیر بیندازند - مانند اتفاقی که در جریان دومین حمله بزرگ به اردوگاه پناهندگان جبلیا در مه ۲۰۲۴ رخ داد - مقاومت در برابر ارتش متجاوز تقریباً به‌طور کامل به حملات غافلگیرانه و حملات توپخانه‌ای محدود بود.

مبارزه فلسطینی‌ها دلایل منطقی متعددی داشت. در وهله اول، واضح بود که حتی اگر ارتش اسرائیل به دنبال درگیری مستقیم و نبردهای شدید با گروه‌های فلسطینی بود، توان مقاومت در برابر ارتشی که از سوی بزرگ‌ترین ابرقدرت نظامی جهان حمایت می‌شود، همیشه انتخابی فاجعه‌بار بود. بنابراین، ایده مقاومت مشابه حزب‌الله و جلوگیری از پیشروی ارتش اسرائیل، ستراتیژی انتحاری محسوب می‌شد.

حتی اگر مقاومت فلسطینی به طور موقت موفق می‌شد، از دست دادن گسترده نیروها برای آنها فاجعه‌بار بود. این ما را به دلیل بعدی می‌رساند که اقدامات آنها را توضیح می‌دهد؛ یعنی نبود هیچ خط تأمین به داخل غزه. گروه‌های فلسطینی مجبور بودند از سلاح‌هایی استفاده کنند که عمدتاً در داخل نوار غزه ساخته شده بود و بنابراین باید مهمات خود را به‌دقت حفظ می‌کردند، که موفق به انجام این کار شدند. قدرت آنها در استفاده از شبکه‌های پیچیده از تونل‌ها بود که اسرائیلی‌ها در اغلب موارد علاقه‌ای به ورود به آنها از طریق زمینی نداشتند.

تل ابیب و واشنگتن هنوز نمی‌دانند که سیستم تونل‌ها در زیر غزه چقدر گسترده است و تنها برآوردهای تقریبی ارائه می‌دهند. به‌جز در موارد نادر، اسرائیلی‌ها هرگز تلاش زیادی برای ورود به تونل‌ها نکردند و وقتی هم می‌کردند، یا از گروگان‌های فلسطینی استفاده می‌کردند که جلوتر از آنها وارد شوند یا از سگ‌های حمله‌کننده بهره می‌بردند. اکثر تونل‌های کشف‌شده یا از قبل رها شده بودند، ابتداء بمباران شده و بلااستفاده شده بودند، یا ورودی آنها با مواد منفجره مهروموم شده بود. تلاش‌ها برای پر کردن تونل‌ها با آب دریا و گاز نیز شکست خورد.

نه‌تنها خود اسرائیلی‌ها اذعان دارند که اکثر تونل‌ها تخریب نشده‌اند، بلکه حتی در مناطقی که ارتش متجاوز بیش از یک سال در آنجا مستقر بود و هر سازه‌ای را که در دید داشت نابود کرده بود، راکت‌های دوربرد شلیک می‌شد. در دسمبر، گردان‌های قسام حتی از بیت‌حنون در شمال غزه راکت‌های M75 به شهرک‌های اسرائیلی در قدس اشغالی شلیک کردند. به‌طور معناداری، اولین زندانیان اسرائیلی نیز توسط یگان ویژه سایه گردان‌های قسام از شمال غزه آزاد شدند، که این امر هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها را غافلگیر کرد.

دلیل واقعی این که اسرائیلی‌ها موفق به شکست جناح‌های مقاومت فلسطین نشدند این است که آنها اصلاً برای جنگیدن با این گروه‌ها به آنجا نیامده بودند. هدف اصلی هر یک از تهاجمات آنها در سراسر نوار غزه همیشه زیرساخت‌های غیرنظامی بود. هر تهاجم با تصرف بیمارستان‌هایی مانند الشفاء، کمال عدوان یا مجتمع پزشکی ناصر به پایان می‌رسید. آنها غیرنظامیانی را که یا در خانه‌های خود گروگان نگه داشته شده بودند یا آواره و در مدارس سازمان ملل، بیمارستان‌ها یا ورزشگاه‌ها زندگی می‌کردند، دستگیر می‌کردند.

حملات هوایی اسرائیل کاملاً بی‌هدف بود و درحالی‌که برخی عملیات‌ها هدفمندتر انجام می‌شد، این موارد استثنا بودند. تنها با نگاه به تصاویر پهپادی یا ماهواره‌ای از نوار غزه این امر به‌وضوح اثبات می‌شود. اکثریت سربازان آنها که در

غزه مستقر شدند، حتی یک مبارز فلسطینی را ندیدند؛ حتی هنگامی که مورد حمله قرار می‌گرفتند، صرفاً برای تخریب ساختمان‌ها و تیراندازی کورکورانه به هر کس که می‌خواستند، حضور داشتند. آنها مانند دسته‌ای از مهاجمان مغول در قرن سیزدهم رفتار می‌کردند، بدون این که مجبور باشند با یک ارتش مدرن بجنگند.

از زبان هر اسرائیلی، از نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو گرفته تا سربازانی که در ویدئوهای تیک‌تاک خود را هنگام منفجر کردن ساختمان‌ها و پوشیدن لباس‌های زنانه نشان می‌دادند، کاملاً مشخص بود که آنها در حال ارتکاب نسل‌کشی علیه کسانی بودند که آنها را «عمالقه» می‌نامیدند. هدف واقعی آنها کسب پیروزی نظامی علیه حماس نبود، که این امر از نبود برنامه‌های مشخص در هیچ مرحله‌ای از جنگ قابل اثبات است؛ بلکه صرفاً قتل‌عام و نابودی بی‌هدف بود. آنها در پی نابود کردن و ایجاد ترس بودند، با تبلیغاتی که این اقدامات را برای خودشان توجیه می‌کرد.

در حالی که دروغ به دنیا فروخته شده بود که این جنگ برای نابودی حماس طراحی شده است، هرگز چنین نبوده؛ آنها در پی نابودی مردم غزه و معیشت آنها بودند. آنها برای جنگیدن با گروه‌های مقاومت فلسطینی به غزه حمله نکردند و به همین دلیل تقریباً هیچ فلمی از این درگیری‌ها وجود ندارد. حتی معدود فلم‌های رزمی که ضبط کردند، مبارزان فلسطینی را مانند قهرمانان فلم‌های اکشن نشان می‌دهد.

اکنون که آتش‌بس برقرار شده است، جامعه اسرائیل گیج شده است و گمان می‌کرد رژیم آنها با حمله مرگبار به غزه، حماس را در هم خواهد شکست و گروگان‌ها را با زور باز خواهد گرداند. در عوض، آنها شاهد بودند که مبارزان افسران پولیس فلسطینی به سرعت در سراسر غزه مستقر شدند، با تسلیحات، خودروها و لباس‌های نظامی و امنیتی، بدون این که آسیب جدی دیده باشند. با این حال، برای کسانی که از نزدیک این درگیری را دنبال می‌کردند، این کاملاً منطقی بود و یکی از دلایلی است که رهبری اسرائیل از آتش‌بس وحشت داشت.

اسرائیلی‌ها با اتخاذ ستراتیژی مبتنی بر حداکثر بزدلی تلاش کردند تا تلفات نیروهای خود را به حداقل برسانند. برای مثال، طبق دکتورین ضدشورش امریکا/اسرائیل، یگان‌های پیاده‌نظام پشت سر تانک‌ها معمولاً وارد منطقه جنگی شهری می‌شوند، یا حداقل سربازانی همراه تانک‌ها حضور دارند، اما این امر در غزه رخ نداد. سربازان اسرائیلی داخل تانک‌ها و خودروهای سنگین زرهی پنهان شدند و روی زره و سامانه حفاظت فعال (APS) حساب باز کردند. با وجود عدم توانایی ما در برآورد دقیق تلفات نظامی اسرائیل، به نظر می‌رسد که تفاوت بین کشته‌ها و زخمی‌ها نشان‌دهنده نسبتی است که در آن زخمی‌ها بسیار بیشتر از کشته‌ها در محیط‌های مشابه جنگ شهری است. دلیل این امر این است که اسرائیلی‌ها بیشتر اوقات در مناطق مستحکم یا داخل خودروهای زرهی سنگین مخفی بودند. در واقع، حتی اگر یک تانک آسیب ببیند، لزوماً به این معنی نیست که سربازان در آن حمله کشته شده‌اند و ممکن است فقط مجروح شده باشند.

اکثراً پس از رسیدن به مناطق یا ساختمان‌های جدید، ابتداء یک پهپاد یا ربات برای بازرسی از صحنه فرستاده می‌شد، پیش از این که سربازان وارد شوند. با این حال، این روش همیشه موفق نبود و گاهی کمین‌هایی رخ می‌داد که ناشی از ناتوانی در کشف مواد منفجره یا تونل‌ها بود. بیشتر کارهایی که سربازان انجام می‌دادند نیاز به شجاعت یا مهارت جنگی واقعی نداشت. آنها همچنین در طول درگیری بی‌دقت بودند؛ زیرا ویدئوهای از جنگ ۱۵ ماهه بارها نشان می‌داد که سربازان به‌طور بی‌خیال در پنجره‌های باز ایستاده‌اند. در یک مورد، سربازی اسرائیلی هنگام مصرف مواد مخدر مورد اصابت سرجنگی ترموباریک قرار گرفت.

تل ابیب قصد نداشت سربازانش را به شکلی که برای مقابله واقعی با حماس لازم بود قربانی کند؛ بنابراین راهی بزدلانه در پیش گرفت و اکنون جمعیت اسرائیلی که به هر دروغی که به آنها فروخته شده بود باور کرده‌اند، از این که

تاکتیک‌های به‌کارگرفته‌شده در رسیدن به اهداف علنی جنگ شکست خورد، شوکه شده‌اند. باوجود داشتن همه مزایای نظامی شناخته‌شده، تخریب یا آسیب‌رساندن به تقریباً تمام ساختمان‌های غزه و کشتار مردم آن به شکلی که شاید بدترین جنایت پس از جنگ جهانی دوم باشد، اسرائیلی‌ها حتی نتوانستند از غزه با تصویری از پیروزی خارج شوند. این امر نشان‌دهنده بزدلی مطلق رژیم نسل‌کش است که در برابر استقامت شگفت‌انگیز مردم غزه به‌عنوان یک کل قرار می‌گیرد. اسرائیلی‌ها با حماس یا هیچ‌یک از گروه‌های مقاومت فلسطینی جنگیدند. توجه داشته باشید که آنها حتی آمار مشخصی از تعداد مبارزان کشته‌شده از هر گروه خاص به‌جز حماس ارائه نمی‌دهند؛ به‌جز مواردی که گاه‌به‌گاه نام جنبش جهاد اسلامی فلسطین را به آمار تلفات حماس اضافه می‌کنند. گروه‌های مقاومت فلسطینی با ابزارهای محدودی که داشتند، در برابر ارتش اسرائیلی که در حال ارتکاب نسل‌کشی بود، جنگیدند؛ این چیزی است که واقعاً اتفاق افتاد.

[۰۱ فبروری ۲۰۲۵](#)